پرونده

بازشناسی متهمان فتنه ۸۸

سند تأملات راهبردی و سعید حجاریان

سیروس محمودیان

بخش ۹۹

سعید حجاریان در بخش ارائه راهکار عملی برای پایدارسازی احزاب سیاسی در ایران در بخش ۵ بند «پ» سند تاملات راهبردی حزب منحله مشارکت مدعی می‌شود برای رسیدن به پایدارسازی احزاب سیاسی در ایران باید احزاب با بخش‌های اقتصادی تعامل فعالی داشته باشند و در چارچوب برنامه‌های کاملا مدونی از توان اقتصادی صاحبان ثروت برای رسیدن به اهداف حزبی بهره گرفته شود و مشخصا تلاش برای به دست آوردن حمایت واقعی صاحبان قدرت اقتصادی در اولویت کاری احزاب سیاسی وابسته به جریان دوم خرداد قرار بگیرد. اگرچه برقراری ارتباط سالم احزاب با صاحبان ثروت امری مذموم به شمار نمی‌رود اما باید گفت در جامعه دینی به طور واضح یکی از رسالت‌های حقیقی هر گروه دینمداری مبارزه با انباشت نامشروع ثروت توسط نوکیسه‌هاست و تجربه اثبات کرده هیچ گروه اقتصادی بدون نیت خاص به حمایت مالی از احزاب نمی‌پردازد. از سوی دیگر بازخوانی ارتباطات ناسالم سازمانی لایه‌های افراطی اصلاح‌طلبان با صاحبان ثروت و قدرت اقتصادی ایران در سنوات گذشته موید این حقیقت تلخ است که در دوران سازندگی و اصلاحات سیاست‌بازان تکنوکراتی و دوم خردادی با فراهم کردن زمینه تاراج اموال عمومی توسط اشخاص خاص در قالب واگذاری صنایع مادر و خصوصی‌سازی اموال دولتی برای فعالیت‌های آتی شبه‌سیاسی خویش (شما بخوانید براندازی نرم) سرمایه‌گذاری‌های کلان و البته پنهانی را به عمل آوردند. تامین منابع مالی و هزینه‌های سهمگین چندصد میلیاردی تبلیغات انتخابات دور دهم ریاست‌جمهوری توسط سران فتنه سبز تنها گوشه‌ای از دلایل اصرار استراتژیک حجاریان را برای برخورداری از حمایت صاحبان ثروت رونمایی می‌کند، اگرچه حجاریان کوشش می‌کند با دادن وجاهت علمی به راهکار خویش به نوعی پشت عنوان پرطمطراق «متفکران و کارآفرینان بخش اقتصادی» نیات شوم خویش را پنهان‌سازی کند. به هر صورت سعید حجاریان همراه ۲۵۰ تن از اعضای حزب منحله مشارکت در متن سند تاملات راهبردی مدعی می‌شود: «پ-۵- تعامل فعال احزاب با بخش خصوصی و تلاش برای به دست آوردن حمایت واقعی صاحبان قدرت اقتصادی و تعامل با فعالان بخش اقتصادی (اعم از متفکران، کارآفرینان و تولیدکنندگان) به صورت فعال و کسب حمایت مادی آنان با شفاف‌سازی برنامه‌های اقتصادی احزاب در پایدارسازی احزاب در ایران بسیار موثر است».

در ادامه متن سند تاملات راهبردی سعید حجاریان لزوم برگزاری همایش‌ها یا محافل اقتصادی– سیاسی را با هدف تعامل با حوزه اقتصادی و نقد و بررسی عملکردهای گذشته مورد تاکید قرار می‌دهد. اما در این میان کاملا مشخص است که افزودن پسوند سیاسی به دنباله واژه «اقتصادی» این جمله را بسیار معنادار می‌کند. حجاریان در این باره می‌نویسد: «برگزاری همایش‌ها یا محافل اقتصادی- سیاسی به منظور تعامل با این حوزه و نقد و بررسی عملکردهای گذشته و ایجاد درک متقابل در زمینه‌های مورد توجه حوزه اقتصاد و یافتن زمینه‌های همکاری مشترک از دیگر ضروریات این بخش است». در ادامه راهکارهای ابداعی، سعید حجاریان ناچار می‌شود بخشی از نیات خود را عیان‌تر بیان کند و ایجاد باشگاه‌ها و نهادهای دومنظوره با هدف فراهم کردن زمینه برقراری ارتباط یکسویه با نیروهای اقتصادی را در دستور کار قرار می‌دهد. حجاریان می‌نویسد: «ایجاد باشگاه‌ها یا نهادهای دومنظوره به منظور ارتباط با نیروهای اقتصادی الزامی است». به هر حال تشویق علنی احزاب دوم خردادی به حضور حرفه‌ای و سازمان‌یافته در نهادهای اقتصادی غیردولتی مانند اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های صنفی و تشویق احزاب یادشده به نهادسازی و ایجاد نهادهای اقتصادی به صورت هدفمند در جامعه مهم‌ترین بخش از نظریه‌های اختصاصی سعید حجاریان در این بخش به حساب می‌آید. به هر حال اینان که دانستن را حق مردم می‌دانستند باید در حال حاضر پاسخگوی افکار عمومی باشند که چگونه احزاب سیاسی دوم خردادی مبتنی بر مدل دموکراسی غربی اجازه آشکار می‌یابند که با نهادسازی‌های جعلی و برنامه‌ریزی‌های هدفمند در نهادهای اقتصادی غیردولتی نفوذ کرده و عملا آنان را از مسیر اصلی خویش بازدارند. به هر صورت سعید حجاریان در کلامی بسیار قابل تامل در بخش ۵ بند «پ» سند تاملات راهبردی حزب منحله مشارکت می‌نویسد: «حضور حرفه‌ای، هدفدار و با برنامه در نهادهای اقتصادی غیردولتی مانند اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌های صنفی،... و تشویق به ایجاد نهادهای اقتصادی به صورت هدفمند در جامعه و حمایت سالم از آنان و نشان دادن حساسیت مداوم نسبت به تحولات اقتصادی تاثیرگذار و حضور فعال در عرصه این تحولات از عوامل اصلی پایدارسازی احزاب سیاسی در ایران است».

نما

ضرورت گفتمان‌سازی

یادداشت

مهدی سعیدی: دیدار اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی با جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی حاوی نکات مهم فراوانی بود که یکی از آن موارد اهمیت «گفتمان‌سازی» است. معظم‌له در پاسخ به سوال کننده‌ای که از عدم عملیاتی شدن ایده‌ها و نظرات نخبگان علمی گلایه کرده بود، به مساله «گفتمان‌سازی» اشاره کرده و فرمودند: «یکی از مهم‌ترین تاثیرات همین فکر کردن‌ها این است که شما فضاسازی می‌کنید، گفتمان‌سازی می‌کنید. در نتیجه در یک فضای معتقد به یک مبنای فکری یا عملی، رئیس‌جمهور هم همان‌جور فکر می‌کند، وزیر هم همان‌جور فکر می‌کند، مدیرکل هم همان‌جور فکر می‌کند، کارکنان هم همه همان‌جور فکر می‌کنند؛ این خوب است و شما این کار را انجام می‌دهید. فکر کنید، بگویید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید... وقتی یک فضای گفتمانی به وجود آمد، همه در آن فضا فکر می‌کنند، همه در آن فضا جهت‌گیری پیدا می‌کنند، همه در آن فضا کار می‌کنند؛ این همان چیزی است که شما می‌خواهید».

این اظهارات یکی از ضروریات جامعه برای طی طریق دهه چهارم انقلاب اسلامی در مسیر توسعه و عدالت را آشکار می‌کند. «گفتمان‌سازی» در این نگاه؛ تلاش برای تبدیل شعارها و آرمان‌های انقلاب به مطالبه عمومی است. نگاه‌های تیزبین با شناخت ضروریات جامعه و اولویت‌بندی این ضرورت‌ها آن را مورد توجه قرار داده و با پیگیری مستمر، تبلیغ، ترویج و پافشاری بر اهمیت و ضرورت مساله، آن نیاز را از انزوا خارج کرده و در صدر خواسته‌های جامعه قرار می‌دهند. با این نگاه گفتمان‌سازی، تلاشی است برای مهندسی مطالبات جامعه و تبدیل آن به یک ضرورت اجتماعی مورد تاکید اکثریت که توسط خواص و نخبگان جامعه صورت می‌گیرد. با گفتمان‌سازی است که اهداف و آرمان‌ها رنگ و بویی تازه می‌گیرد و از دلزدگی و روزمرگی نجات می‌یابد. با گفتمان‌سازی است که انگیزه‌های جامعه برای تلاش و کوشش تقویت می‌شود و شور و نشاط اجتماعی و امید به آینده در فضای عمومی کشور گسترش می‌یابد. برای آغاز فرآیند گفتمان‌سازی به مقدماتی نیازمندیم که یکی از آنها تاسیس اتاق فکر است؛ آغاز به کار اتاق‌های فکری که بتوانند با نگاهی جامع مسائل و ضروریات جامعه را شناخته و متناسب با افق‌های آینده برنامه‌ریزی کنند. قطعا اعضای این اتاق فکر باید از صلاحیت‌هایی چون سلامت فکر و شخصیت، آرمانخواهی و اصولگرایی، دغدغه‌مندی، خوشفکری و نخبگی، تخصص و... برخوردار باشند.

امروز به برکت تلاش بخشی از خواص جامعه، مفاهیمی چون عدالتخواهی، مبارزه با فقر، فساد، تبعیض و... در مسیری قرار گرفته که بتواند به گفتمان عمومی کشور تبدیل شود اما متاسفانه این روند نیز گاه در نیمه کار رها شده و استقامت و ایستادگی لازم در رسیدن به آن مشاهده نمی‌شود. به واقع پروژه گفتمان‌سازی برای این مفاهیم، نیمه‌کاره رها شده است. این مساله به خوبی آشکار می‌کند که فرآیند گفتمان‌سازی پروژه‌ای است زمانبر که نیازمند استقامت، پشتکار و خستگی‌ناپذیری است و با اقدامات احساسی و فصلی به ثمر نخواهد رسید. در مسیر گفتمان‌سازی، رسانه‌های عمومی نقش کلیدی و حیاتی دارند و بدون هماهنگی و همراهی آنان، مسیر گفتمان‌سازی با موانع جدی روبه‌رو خواهد بود، لذا بخشی از تلاش گفتمان‌سازان باید صرف همراه‌سازی ارباب رسانه شود. مسیر گفتمان‌سازی، جاده‌ای صاف و هموار و بدون تهدید و مانع نیست بلکه با ممانعت‌ها و مخالفت‌هایی روبه‌رو است که برای عبور از آنها هم نیازمند تدبیریم و هم نیازمند شجاعت و ایستادگی. به هر حال تبدیل بخشی از آرمان‌ها و ضروریات جامعه به مطالبه عمومی، منافع شیادان و سودجویان را تهدید کرده و دگرگونی‌هایی را در سلسله مراتب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به وجود خواهد آورد. همینجاست که این صاحبان احتمالی قدرت و ثروت برای حفظ موقعیت به مقاومت و کارشکنی در برابر گفتمان جدید رو خواهند آورد. ملت ایران به خوبی به یاد دارند که بعد از شکل‌گیری حماسه سوم تیرماه ۱۳۸۴ و تبدیل «عدالتخواهی» به گفتمان عمومی ملت ایران، چگونه جریان‌های سیاسی- اقتصادی که حیات خود را به تداوم ساختارهای پیشین می‌دیدند، در برابر ملت ایستادند و هم‌قسم شدند تا نگذارند جریان عدالتخواهی بار دیگر در انتخابات ۲۲ خرداد به قدرت تکیه زند. به واقع از یک منظر می‌توان گفت حوادث تلخ پس از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری و فتنه سال ۸۸ حاصل مقاومت باند مافیایی قدرت- ثروت در برابر گفتمان عدالتخواهی بود. سخن آخر آنکه درون جامعه، خواسته یا ناخواسته فرآیند گفتمان‌سازی در حال شکل گیری است و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، مطالباتی در قالب گفتمان‌های جدید تولید می‌شود و همواره کسانی هستند که تلاش دارند آنچه خود ضرورت می‌پندارند را تبدیل به گفتمان کنند اما آنچه مهم است آنکه آیا این افراد، گروه‌ها و جریان‌ها، صلاحیت نشستن در جایگاه گفتمان‌سازی را دارند یا خیر؟ به واقع اگر صالحان و نخبگان در جایگاه گفتمان‌سازی ننشینند، فاسدان، جاهلان و فرصت‌طلبان بر این جایگاه چنگ خواهند انداخت!

بیگانگان و دشمنان انقلاب اسلامی نیز بیکار ننشسته و ایادی داخلی و خارجی خود را برای تاثیرگذاری بر جامعه از این طریق فعال کرده‌اند. تلاش تمام‌عیار ماهواره‌ها و رسانه‌های بیگانه برای تاثیرگذاری بر فرهنگ عمومی، تنها بخشی از فعالیت این جریان است که اگر نخبگان، دلسوزان و انقلابیون نسبت به آن بی‌توجه باشند، تبعات سوء جبران‌ناپذیر آن دامنگیر جامعه خواهد شد.

عصر بیداری و عدالت و آغاز دوران نکبت غربی

نگاه

علی سلیمانیان: یورگن هابرماس، فیلسوف آلمانی و از مشهورترین نظریه‌پردازان اجتماعی زنده غرب درباره آینده نظام سرمایه‌داری و بحران‌های پیش روی آن معتقد است مرحله پیشرفت سرمایه‌داری که در آن دولت‌های رفاه ظهور کرده‌اند با وضعیت بی‌ثباتی تشدیدشونده‌ای روبه‌رو است. در اینجا ما اگرچه با نظر او موسوم به «دولت رفاه» چندان موافق نیستیم و رفاه مقطعی و نسبی دولت‌های غربی را به گونه دیگری تحلیل می‌کنیم اما از آنجا که در نتیجه‌گیری درباره آینده کاپیتالیسم با وی اتفاق نظر داریم و منظور ما نیز از آوردن نظر او بحث بر سر آینده سرمایه‌داری است، از توقف بر این مساله امتناع می‌کنیم و به ادامه دیدگاه وی می‌پردازیم. هابرماس معتقد است، دولت رفاه که زاییده پریشانی اقتصادی است از «اتحاد رهبران سیاسی با نخبگان اقتصادی» به وجود آمده است. این دولت «اقتصاد و حکومت را به هم پیوند داده» و به این ترتیب «حوزه عمومی را محدود کرده است». وی برای توصیف این وضعیت اصطلاح باز فئودالی شدن را به کار می‌برد که به طور نمادین معرف تهدید آشکار حوزه عمومی از طریق تقویت بی‌حساب اقتدار دولت و تبدیل آن به یک نهاد سلطه‌گر نقدناپذیر و شبه‌فئودالی است. از دید او این وضع موجب بروز «بحران مشروعیت» می‌شود که تجلی آن بی‌ثباتی است که به نوبه خود به «بروز جنبش‌های جدید اجتماعی» منجر می‌شود که با ارزش‌های نظام حاکم به مقابله و رویارویی می‌پردازد. و این همه آن چیزی است که در خیابان‌های آمریکا و اروپا در حال وقوع است: بروز جنبش‌های جدید اجتماعی در اعتراض به انحصار قدرت سیاسی و اقتصادی و مقابله با ارزش‌های نظام کاپیتالیسم و در نهایت، بحران مشروعیت نظام سرمایه‌داری. مردم آمریکا و اروپا اکنون از انحصار قدرت سیاسی در دستان کلان سرمایه‌داران و از انحصار ثروت در حلقه سیاستمداران و از این تسلسلی که کاپیتالیسم بر آنان تحمیل کرده است به تنگ آمده‌اند و از پایان تحمیل زورمندان و زرسالاران یک درصدی بر اکثریت مطلق ۹۹ درصدی مردم سخن می‌گویند؛ خواسته‌ای که تا به حال در غرب سابقه نداشته و سخنی به این صراحت در رد نظام سرمایه‌داری، سخنی بدیع است. «وال‌استریت را تسخیر کن» شعاری است که آرمان جنبش مردمی ضدسرمایه‌داری را به روشنی بیان می‌کند و شیوع این قیام تا وال استریت، یعنی تا درون دیوارهای نظام سرمایه‌داری و قطب سرمایه‌داری جهانی، نمی‌تواند نتیجه‌ای جز سقوط کاپیتالیسم و فروریختن نظام مبتنی بر آن داشته باشد. پایگاه خبری آلترنت (alternet.org) چند هفته پیش، قبل از آغاز جنبش گسترده مردمی در آمریکا در تحلیل آنچه در اروپا در حال شکل‌گیری است در تحلیلی جالب، بر بیداری ملت‌های غربی از خواب غفلت و حتمی بودن سقوط کاپیتالیسم تاکید کرده است: «آنچه جنبش‌های مردمی در اروپا می‌خواهند دموکراسی اقتصادی، عدالت سیاسی، رفاه و افزایش استانداردهای معیشتی متناسب است. در اروپا گویی جوامع از خواب غفلت بیدار شده‌اند و خود را اکنون آگاه می‌دانند. اکنون جنبش‌های مردمی در اروپا نه‌تنها تفاوتی با یکدیگر ندارند بلکه وجه مشترک بسیاری دارند. اکنون بنیان‌های متزلزل نظام سرمایه‌داری در حال لرزه است و در نهایت سقوط خواهد کرد چون انقلاب بزرگ مدت‌هاست که آغاز شده است. باید پذیرفت حتی اصلاحات بنیادین نیز نمی‌تواند موجب نجات نظام سرمایه‌داری شود. اصلاحات به معنای تغییرات چشمگیر و تحول در شرایط فعلی است، بنابراین دولت‌های اروپایی باید بدانند ادامه حرکت در مسیر نظام سرمایه‌داری به معنای سقوط و ورشکستگی است. سیاسیون طرفدار نظام سرمایه‌داری در اروپا به خوبی می‌دانند که با تبعیت از اصول سرمایه‌داری از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اوضاع وخیم‌تر شده و این اوضاع عامل بی‌ثباتی‌ها و خشونت‌های فعلی در اروپاست. نسل جوان اروپا دیگر به دولت‌ها اعتمادی ندارد و خود به دنبال بازپس‌گیری مطالباتش است. باید اذعان کرد جهانی‌سازی و نظام سرمایه‌داری عامل تشدید بحران‌ها بوده‌اند».

اکنون می‌توان آنچه در غرب بویژه در ام‌القرای تمدن غرب، آمریکا در حال وقوع است را جنبش بزرگ بیداری و عدالتخواهی ملت‌ها نامید و عصر حاضر را عصر پایان دوران سرمایه‌داری و خزان غرب دانست که بهار ملت‌های غربی را به همراه خواهد داشت. افول امپریالیسم با بیداری اسلامی در ممالک اسلامی تحت تسلط غرب و آغاز سقوط کاپیتالیسم در جهان، آینده نکبت‌باری برای غرب به ارمغان خواهد آورد. فرانسیس فوکویاما چند سال پیش در آستانه انتخاباتی که در آن اوباما به ریاست‌جمهوری آمریکا رسید در مقاله‌ای با اذعان به فروپاشی تفکر سرمایه‌داری در آینده‌ای نزدیک می‌گوید: «ایده‌ها یکی از مهم‌ترین صادرات ما هستند و در این میان ۲ ایده اصولی آمریکایی از اوایل دهه ۸۰ بر افکار جهانی تسلط یافته است». او از نوع خاص آمریکایی نظام سرمایه‌داری و ترویج نظام لیبرال- دموکراسی به عنوان بهترین مسیر برای رسیدن به نظام بین‌المللی آزاد، به عنوان این ۲ ایده اصولی آمریکا که بر افکار جهانی تسلط یافته است، یاد می‌کند. اکنون بیداری ملت‌های غربی و بیداری اسلامی در شرق، این ۲ ایده اصلی آمریکا را با بی‌اعتباری مواجه کرده و نه‌تنها صدور تمدن غرب به خارج از مرزها متوقف شده و استیلای غرب رو به پایان گذارده که حتی غرب درون حصار تمدن خود نیز با بحران مشروعیت مواجه است. دوران بیداری و عدالتخواهی فرارسیده و این آیا آغاز دوران نکبت‌باری برای غرب بویژه آمریکا نیست؟

دود آتش جنگ‌افروزی آمریکا در چشم خودش

نکته

شهریار هریسی: بعد از جنگ دوم جهانی و افول قدرت‌های مطرحی مثل انگلستان به علت ضربات ناشی از جنگ و شوروی به دلیل انقلاب داخلی و صدمات ناشی از جنگ، آمریکا که تشنه قدرتنمایی در خارج از مرزهای خود بود و آنچنان که باید و شاید نتوانسته بود در جنگ به این خواسته خود برسد، سلطه اقتصادی و استعماری خود را در جای جای دنیا بویژه منطقه طلایی خاورمیانه گسترد تا کم‌کم خود را به عنوان تنها ابرقدرت جهان مطرح کند. نخستین کشور هدف نیز ایران بود که با توجه به فعل و انفعالات صورت گرفته در آن از قبیل تبعید رضاخان به جزیره موریس، ترس و ناپختگی محمدرضای جوان، آشفتگی سیاسی داخلی، قحطی و بیکاری و هرج و مرج و ده‌ها دلیل دیگر، به بهانه سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در حوزه نفت به طور اخص و صنایع دیگر مثل راه‌آهن و... جای پای خود را در ایران محکم‌تر کرده و به‌تدریج شاه و نظام سیاسی آن را به خود وابسته کرد که اوج آن کودتای انگلیسی- آمریکایی ۲۸ مرداد ۳۲ بود. این آغاز دیکتاتوری مطلق محمدرضا و خفقان شدید تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی است؛ سیستم‌های امنیتی و اطلاعاتی سفاک و سرسپرده مثل ساواک و عناصر خودفروخته و چاپلوس که در پست‌های حساس مسؤول چپاول و غارت ذخایر این مملکت اعم از روزمینی و زیرزمینی هستند با انواع قوانین ذلت‌آور مثل کاپیتولاسیون، رویای آمریکا را برای به دست آوردن غلامی حلقه به گوش و مطیع تحقق بخشید و ایران به عنوان پایگاهی کاملا آمریکایی در خدمت منافع این کشور قرار گرفت. دیدگاه‌های روسای‌جمهور آمریکا اعم از دموکرات یا جمهوریخواه درباره میل جهانخواری آمریکا هیچ فرقی با هم نداشت و فقط نمای ظاهری آنها اندکی متفاوت بود؛ یکی با محافظه‌کاری و حرف‌های دهن پرکن مثل حقوق بشر و دموکراسی و یکی با خوی کابویی و یانکی‌گری اهداف ایالات متحده را در منطقه خاورمیانه پیش می‌بردند ولی انقلاب استثنایی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ که بستر و مقدمه آن از ۱۵ سال قبل یعنی سال ۱۳۴۲ و حوادث تاثیرگذار آن فراهم شده بود، همه رویاهای آمریکا را به کابوس بدل کرد و محکم‌ترین پایگاه نظامی و اقتصادی این کشور در منطقه تبدیل به دشمن شماره یک آن شد. اگر از ۳۲ سال خباثت و کینه‌ورزی این کشور بی‌اصل و نسب بگذریم و درد تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، جنگ ۸ ساله، ترورهای اوایل و در طول انقلاب و... را بیان نکنیم، اکنون به فصلی می‌رسیم که می‌توان به جرات گفت کره زمین دستخوش تغییراتی اساسی است؛ از آفریقا، آسیا گرفته تا اروپا و آمریکا و استرالیا صحنه اعتراضات گسترده مردمی به سیاست‌های امپریالیستی غرب و سلطه اقتصادی یا به عبارت بهتر حصر اقتصادی آمریکاست. اکنون در قلب خود آمریکا پس از آنکه در حدود ۹ماه اخیر دیکتاتورهای رام و حلقه به گوش آمریکایی یک به یک از تخت پادشاهی به زیر کشیده شدند، صدای فریاد تظلم و دادگری مردمی را می‌شنویم که از این همه ظلم و بیداد به ستوه آمده و خواستار پایان بخشیدن به آن هستند. آنها از دموکراسی آمریکایی که در آن ۹۹درصد مردم زیر سلطه یک درصد باشد، بیزاری می‌جویند و با نشانه رفتن قلب اقتصاد آمریکا یا به عبارت بهتر کل دنیا می‌خواهند بگویند که ای آمریکای جهانخوار! ما مردم آمریکا از سیاست‌های سلطه‌طلبانه و جنگ‌افروزانه تو که چیزی جز تحمیل هزینه‌های گزاف جنگ با ویتنام، عراق و افغانستان و مرگ عزیزانمان نداشت، خسته شده‌ایم. تا کی مالیات‌های ما باید تامین کننده عطش قدرت تو بر جهان باشد؛ ما دیگر نمی‌خواهیم به واسطه خیانت‌های شما منفورترین مردم دنیا باشیم. ما را رها کنید تا آزادی واقعی را جشن بگیریم.

«اختلاس» نه!

نوشخند

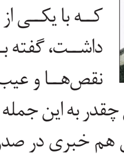

محمدعلی قاسم‌آبادیان: خاطرم هست ۲ ماه پیش که روز میمون خبرنگار بود! یکی از مسؤولان ارشد یکی از شهرستان‌ها در مصاحبه‌ای که با یکی از سایت‌های خبری داشت، گفته بود «خبرنگار نباید نقص‌ها و عیب‌ها را ببینند!» و ما خبرنگارها آن موقع چقدر به این جمله خندیدیم! اما جالب آنکه چند روز پیش هم خبری در صدر اخبار رسانه‌های البته به قول برخی‌ها سیاه‌نما! قرار گرفت که شمس‌الواعظین اقتصاد کشور، وزیر محترم و مکرم اقتصاد و دارایی! دکتر شمس‌الدین حسینی در حاشیه نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش‌خصوصی در جمع خبرنگاران گفته است: «رسانه‌ها نباید از عنوان اختلاس برای تخلف بزرگ استفاده کنند» و ما این‌بار نفهمیدیم که چرا اون بار فقط خندیدیم! جالب این بود که این حرف مقتصدله در حالی مطرح می‌شود که در قاموس قانون مجازات همه کشورهای جهان و البته در کف ترازوی وزین قوه محترم قضائیه! اختلاس به عنوان یک عمل مجرمانه خطرناک و جرمی درجه اول به‌شمار می‌آید. حال بماند که در عدد و ارقام این اختلاس چه کسی می‌تواند صفرهایش را بشمارد! گفته بودند اگر کورش از ۲۵۰۰ سال پیش تا به امروز هر ماه ۱۰۰ میلیون تومان پس‌انداز کرده بود تازه می‌شد این! القصه، پیرو سخنان گهربار ایشان ما نفهمیدیم کلمه اختلاس برای این تخلف بزرگ کوچک است یا این تخلف بزرگ کوچک است برای این واژه بزرگ! از همین رو در پی این افاضات بسیار زیبای آقای حسینی در عصر علم و ارتباطات، نگارنده این سطور در منوی خبری خود موارد زیر را پیشنهاد می‌کند تا در قدم اول ایشان خود از واژه منحوس و ددمنشانه اختلاس استفاده‌نکنند:

۱- آفتابه دزدی

۲- مرغ‌دزدی (در وضعیت فعلی تخم‌مرغ دزدی رو پیشنهاد نمی‌کنم چون خود جرمی است در حد همان اختلاس البته اگر بیشتر نباشد!)

۳- امانت‌گیری آشنایانه از جیب نفوس‌الله (به‌جای واژه قبیح رانت از واژه خودمانی آشنایانه استفاده کردم جهت پاس داشت پارسی)

۴- شلغم‌دزدی

۵- به کاهدان زنی

۶- دم خروس نمایی

۷- روزی‌خوری کله‌گنجشکی

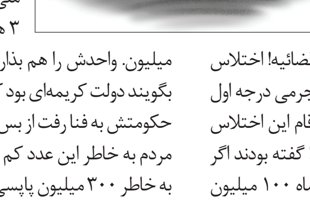

آقای حسینی! اگه مشکل این ۳ هزار میلیارد با تغییر واژه منحوس اختلاس حل نشد، پیشنهاد می‌شود ۴ تا صفر از پول ملی حذف شود تا خود به خود این ۳ هزار میلیارد تومان بشود ۳۰۰ میلیون. واحدش را هم بذارید پاپسی که در تاریخ بعدها بگویند دولت کریمه‌ای بود که ۳۰۰ میلیون پاپسی در زمان حکومتش به فنا رفت از بس طهارت اقتصادی وجود داشت. مردم به خاطر این عدد کم هم شگفت‌زده شده بودند فقط به خاطر ۳۰۰ میلیون پاپسی که اگه بندازی جلوی بچه قهر می‌کنه ها به خدا! فکر می‌کنم مشکلتون حل شد نه؟

لازم به یادآوری است که از قدیم و ندیم گفته‌اند :

۱- پیراهن روز بعد از عروسی برای کله منار خوبه!

۲- تلافی غوره را سر کوزه درنیار!

۳- چیزی که شده پاره وصله برنمی‌داره!

بحرین و بحران مشروعیت

نظر

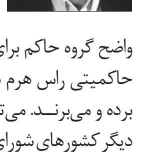

عماد آبشناس: با وجود آنکه دولت حمد بن عیسی آل‌خلیفه بعد از مرگ پدرش همواره ادعای انجام اصلاحات را دارد اما شیعیان در کشور ۷۵۰ هزار نفری بحرین به وضوح از تبعیض‌های اداری، مذهبی و نابرابری‌های سیاسی و تلاش‌های واضح گروه حاکم برای جلوگیری از رسیدن آنها به مراکز حاکمیتی راس هرم سیاست و ثروت‌های ملی بحرین رنج برده و می‌برند. می‌توان گفت ۲ ویژگی خاص بحرین را از دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس متمایز می‌کند: نخستین ویژگی ترکیب مذهبی- طایفه‌ای است که برخلاف دیگر کشورها شیعیان در بحرین از اکثریت قابل توجهی برخوردار هستند در حالی که در بقیه کشورهای عرب حوزه خلیج فارس شیعیان اقلیت بزرگ آن را به خود اختصاص داده‌اند. ویژگی دوم فعالیت‌های سیاسی و حضور مخالفان در بحرین است که یکی از قدیمی‌ترین تاریخچه مبارزاتی را در میان همه کشورهای این منطقه به خود اختصاص داده است. از دیدگاه رهبران گروه‌های شیعه، تبعیض حقیقتی است که در تار و پود ساختار سیاسی آل‌خلیفه تنیده شده به نحوی که تقریبا این مساله به شکل سازمان‌یافته‌ای در ساختار سیاسی بحرین در حال اجراست.

یکی از استراتژی‌های دولت بحرین برای دور نگه داشتن اکثریت شیعه از مراکز قدرت حوزه‌های انتخاباتی است. به اعتقاد جریان‌های مخالف آل‌خلیفه توزیع هدفمند و تبعیض‌آمیز کرسی‌های پارلمان در میان حوزه‌های انتخاباتی یکی از نمادهای اصلاحات هدفمند «خلیفه‌ای» محسوب می‌شود به نحوی که به هر شکل و با وجود اکثریت شیعه شمار نمایندگان اهل تسنن در پارلمان بیشتر از شیعیان می‌شود. در چارچوب همین رویکرد به طور مثال استان سنی‌نشین «جنوبی» که از کم‌جمعیت‌ترین مناطق بحرین است، ۶ نماینده دارد، در حالی که سهم استان شیعه‌نشین «شمالی» با داشتن بالاترین جمعیت در کشور صرفا ۹ نماینده است. انتخابات میاندوره‌ای مجلس مشورتی در بحرین برای جایگزین کردن نمایندگان حزب الوفاق که در اعتراض به سرکوب معترضان استعفا داده بودند، هفته گذشته در این کشور در جوی کاملا امنیتی برگزار شد. حزب الوفاق، بزرگ‌ترین حزب شیعه بحرینی به دلیل ادامه سرکوب تظاهرکنندگان ضدحکومتی، شرکت در این انتخابات را تحریم کرد. در هر حال این انتخابات برگزار شد و مسؤولان برگزاری انتخابات نتایج این انتخابات را اعلام کردند؛ نتایجی که اعلام آن به جای اینکه موجب سرافرازی حکومت آل‌خلیفه در بحرین شود، موجب سرافکندگی آنان شد. شیخ خالد بن علی آل‌خلیفه، رئیس کمیته انتخابات پارلمانی بحرین از مشارکت ۵۱/۴ درصدی واجدان شرایط در ۱۴ شعبه اخذ رای برای تکمیل ۱۸ کرسی نمایندگان مستعفی جمعیت الوفاق خبر داد. به فرض صحت این خبر که رئیس کمیته انتخابات پارلمانی بحرین اعلام کرده است، آنها حتی در رأی‌سازی‌هایشان به زور برای خودشان یک درصد بیش از نیم جمعیت را متصور هستند. البته این خبر صحیح نبوده و درباره تعداد شرکت‌کنندگان این انتخابات نظرهای دیگری نیز وجود دارد. شیخ علی سلمان، رئیس جمعیت الوفاق بحرین اعلام کرد میزان مشارکت در انتخابات پارلمانی میاندوره‌ای ۱۳/۴ درصد است. از سوی دیگر منابع مستقل در بحرین خبر دادند از ۱۴۴۵۱۳ نفر واجد شرایط رای دادن در این کشور، تنها ۲۵۱۲۶ نفر در انتخابات پارلمانی شرکت کرده‌اند. در هر حال مسجل است برای آل‌خلیفه رای مردم مهم نیست و برگزاری این انتخابات صرفا با هدف کنار زدن حزب الوفاق از صحنه سیاسی بحرین و نمایش مشتاق بودن آل‌خلیفه به دموکراسی بود؛ انتخاباتی که مهم‌ترین دستاورد آن برای آل‌خلیفه تضمین بحران مشروعیت برای مجلس مشورتی و اصل حکومت آل‌خلیفه بود. ادامه روند آل‌خلیفه و اعتراضات چندماهه مردم که به صورت مداوم و حتی در سخت‌ترین شرایط سرکوب ادامه داشته است، برای حکام بحرین مسجل می‌کند که هیچ جایگاهی در آینده سیاسی این کشور نخواهد داشت و بزودی باید به جمع شرکای سیاسی‌شان یعنی بن‌علی، مبارک، قذافی، عبدالله صالح، ملک عبدالله و در نهایت به مقتدای همه این دیکتاتورها یعنی صدام حسین بپیوندند.

تحلیل

آیا نظام، روزی پیر و از کار افتاده خواهد شد؟!

مصطفی بخشی

مقام معظم رهبری در سخنرانی اخیر خود برای اساتید و دانشجویان پرشور کرمانشاه ضمن بیان مطالب مختلف در قسمتی از بیانات خود چند سوال اساسی را مطرح کردند: مساله پیری و جوانی نظام اسلامی چگونه قابل تحلیل است؟ آیا نظام، روزی پیر و از کار افتاده خواهد شد؟ آیا راهی برای جلوگیری از این فرسودگی وجود دارد؟ و آیا اگر این وضع پیش آمد راه علاجی وجود خواهد داشت؟ ایشان به اصحاب فکر و فضیلت بویژه در دانشگاه و حوزه و مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی توصیه کردند درباره سوالات مطرح شده تامل و تفکر کنند.

در این نوشتار اجمالا به برخی از موارد خواهیم پرداخت:

آیا نظام، پیر و از کارافتاده خواهد شد؟ در پاسخ به این سوال، خود معظم‌له در قسمتی از بیاناتشان ویژگی‌ها و آرمان‌هایی را برای جامعه اسلامی تبیین کردند و سپس با طرح این سوال که «آیا اساسا جامعه برخوردار از آرمان‌های الهی هرگز پیرو کهنه خواهد شد؟»، به نوعی اشاره کردند قطعا چنین چیزی درباره جامعه اسلامی رخ نخواهد داد.

اما این آرمان‌ها و ویژگی‌ها چه هستند؟ ایشان فرمودند: «برخورداری از عدالت و آزادی، نقش‌آفرینی موثر مردم در اداره کشور و تعیین سرنوشت خویش، برخورداری از عزت و استغنای ملی، رفاه عمومی و از بین رفتن فقر و گرسنگی، بهره‌مندی از پیشرفت‌های همه‌جانبه علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دوری از سکون و توقف و پیشروی دائم از خصوصیات بارز جامعه اسلامی است که ملت ایران و نظام اسلامی به سمت تحقق آن حرکت می‌کنند.» و در ادامه افزودند: «البته هدف نهایی جامعه اسلامی، رسیدن انسان‌ها به کمال معنوی و عبودیت و معرفت پروردگار است که چنین جامعه‌ای خود زمینه تشکیل امت اسلامی خواهد شد». البته به فرموده ایشان «آرمان‌هایی نظیر عدالت‌طلبی، آزادیخواهی و کمال‌جویی فطری هستند.» ولی در جوامع غیراسلامی که حکومت‌ها و قوانین آن بر مبنای انسان‌محوری و اصالت لذت و سود باشد، پایبندی افراد آن جامعه به این ارزش‌ها موقتی و سطحی خواهد بود و در نتیجه آن جوامع را در نهایت به فرسودگی، کهنگی و انحطاط خواهد کشاند؛ به عنوان مثال عدالت‌طلبی بدون داشتن انگیزه و عقیده توحیدی تنها تا مرز برآورده شدن منافع شخصی قابل پیگیری است و ممکن است حتی در نهایت به ضد عدالت منجر شود یا آزادیخواهی منهای پایبندی به حد و حدود الهی تا آن سوی مرزهای هوی و هوس و بی‌بند و باری گام می‌نهد و جامعه به ظاهر آزادیخواه را به سمت فرسودگی، کهنگی و مرده‌دلی سوق می‌دهد. اما در مقابل تمام این ویژگی‌ها و آرمان‌های مادی و معنوی مثل عدالتخواهی، آزادیخواهی و کمال‌جویی وقتی برخاسته از روح متعالی مبانی اسلامی و توحیدی باشد، قیامی را همچون انقلاب اسلامی در ایران رقم می‌زند تا علم حکومتی نوین را در جهان معاصر برافراشته کند که در آن مفاهیم این ارزش‌ها و ویژگی‌ها بر اساس حق و حقیقت است، نه مفاهیمی برخاسته از روح مادی‌گرا و انسان‌محور غربی که تابع هوی و هوس و بی‌بند و باری مطلق است، بنابراین چنین جامعه‌ای مادامی که پایبند به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی باشد، هرگز به فرسودگی و کهنگی نخواهد رسید. اما یکی از نکات بسیار مهمی که رهبر گرانقدر انقلاب اسلامی در آن دیدار فرمودند این است که هدف نهایی جامعه اسلامی را رسیدن انسان‌ها به کمال معنوی و عبودیت و معرفت پروردگار بیان کردند که در نهایت امت اسلامی را رقم خواهد زد. در واقع تمام آرمانخواهی‌ها اگرچه در واژه بین تمام جوامع مشترک هستند اما مفهوم آنها در جامعه اسلامی ایران برگرفته از تعابیر بلند معرفتی و توحیدی است که الگوی آن را می‌توان در زندگی حضرات معصومین(ع) مشاهده کرد. پیگیری اهداف بلندی همچون کمال عبودیت و معرفت پروردگار و در نهایت تشکیل امت اسلامی که مقام معظم رهبری فرمودند، زمانی به وقوع خواهد پیوست که تک‌تک آحاد جامعه مسلمین بر تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های والای معنوی پافشاری کنند و این تنها با استقامت در دین محقق خواهد شد؛ وقتی آیه «فَاسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ وَ مَن تَابَ مَعَکَ»؛ پس همان‌گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده نیز چنین کند. (هود، آیه۱۱۲) بر پیامبر گرامی اسلام(ص) نازل شد، ایشان فرمودند: این آیه سوره هود مرا پیر کرد! و دلیل آن هم این بود که آن وجود مقدس درباره استقامت در دین که کار بسیار حساس و متضمن سختی است از سوی امت خویش نگران بودند. امروز انحرافات بسیاری که گریبانگیر جامعه اسلامی است و بخشی از جامعه بویژه جوانان را گرفتار خود کرده، نشان می‌دهد نگرانی آن وجود مبارک بی‌دلیل نبوده است. اگرچه امروز مردم متدین و انقلابی ایران اسلامی زیر پرچم ولایت خاص حضرت ولی‌عصر(عج) و ولایت عام رهبر فرزانه انقلاب تا پای جان ایستاده و از نظام و انقلاب و آرمان‌ها دفاع می‌کنند اما لازم است برای رسیدن به آرمان‌ها و ارتقای معنویت جامعه و حرکت در مسیر کسب معرفت الهی عزم جدی‌تری در جامعه به وجود آید، لذا بر این اساس تک‌تک افراد جامعه باید با مراقبت بیشتر از لحظات زندگی خود، آلودگی‌ها و ظلمت‌هایی را که در نتیجه غفلت‌ها و گناهان روزمره بر قلب‌ها نشسته و حجاب‌های روزافزونی بین بنده و معبود ایجاد می‌کنند را با توبه و انابه و ترک گناهان و رعایت حدود الهی شست‌وشو داده و مسیر حرکت به سمت تقرب و معرفت ذات اقدس الهی را هموار کنند که برآیند آن ان‌شاءالله تهذیب جامعه و متخلق شدن به اخلاق نبوی و علوی و در نهایت رسیدن به مدینه فاضله مدنظر مقام معظم رهبری خواهد بود، ان‌شاءالله.